

## سال ۲۰۰۴ در یک نگاه!

جعفر پویه



سال ۲۰۰۴ در حالی به پایان می رسد که در اوضاع و احوال جهان، تغییرات بزرگی نسبت به سال پیش روی نداد. بحرانهای منطقه ای به ویژه در خاورمیانه، درجا می زند و راه برون رفتی از آن به صورتی که منافع مردم را در بر داشته باشد، در دوردست پیدا نیست. سالی که اخبار جنگ بر تارک همه روزنامه ها درخشید و تیتیر نخست اخبار روزانه رسانه های جهانی را به خود اختصاص داده بود. قضاوت عادلانه ای نیز در مورد آن به چشم نیامد ولی خانه های بسیاری بر سر مردم خراب شد و بر شمار کشته شدگان بی گناه افزوده گشت. سالی که نعمت جنگ، درب خیرات و برکات خود را به روی جنگ افروزان باز کرد. بازار اسلحه پر رونق بود و به همین بهانه، دولتهای دست راستی لایحه ها و قوانینی را از پارلمانها گذراندند که در مواقع دیگر حتی امکان صحبت از آن هم وجود نداشت.

سیستم پلیسی نهار بازار خود را گذراند و بدون هیچ توضیحی، کسان بسیاری در بازداشت ماندند و انگ و برچسب تروریسم با همدستی سازمانهای مخوف دست ساز "جهان آزاد" در سالهای گذشته، پررنگتر نشان داده شد تا دلیلی باشد برای بازپس ستاندن حقوقی که مردم طی سالیان دراز بدست آورده بودند. بودجه های سرسام آور امنیتی، هزینه کنترل هرچه بیشتر مردم شد. شنود تلفن، بازکردن بسته های پستی، نصب دوربینهای مخفی و ایست و بازرسیهای گاه و بیگاه در خیابانهای شهرهای بزرگ جهان، پر رونق بود و هیچ دهانی را یارای اعتراض به این همه درازدستی نماند زیرا "امنیت ملی" توجیهی است که با قامت بلند خود در برابر هر اعتراضی برافراشته شده است.

تجمعهای چند صد هزار نفره در اعتراض به جهانی سازی و جنگ، به یکباره از خیابانها رفته شدند و به جای آن پلیسهای ویژه با لباسهای عجیب و غریب حضور خود را با وحشت و ترس از تروریستهای آدمکشی که در روسیه مدرسه ای را به خاک و خون کشیدند، توجیه می کردند. بهای نفت در بازارهای جهانی سیر صعودی داشت و یکی از اهدافی را که آمریکا با اشغال عراق در نظر داشت، تامین نمود تا قدرتهای رقیب به موقعیت جدید

بود. گروه های موسیقی راک و رپ که خود را نقادان سیستم معرفی می کردند، به یکباره نقاب از رخ برکشیدند و با تمام قوا وارد کارزار انتخاباتی شدند و به این بازار رونق بیشتری دادند و جوانان و مردم بی طرف را تشویق کردند تا به میدان آمده و مشروعیت انتخابات را بازگردانند. دیگر بار، جرج بوش رییس جمهور شد و جنگ ادامه پیدا کرد و هرکس به سرکار خود بازگشت تا در انتخاباتی دیگر با بوق کرنای دیگری باز گردد.

ولی در اروپا مدار سیاست بر همین پایه نگشت. انتخابات اسپانیا به دلیل خطای بزرگ نخست وزیر در معرفی عاملین بمب گذاری در مادرید، کاخ ریاست جمهوری را به سیاستمداران چپ رساند. خوزه ماریا ازنار که بمب گذاری را به مبارزان جدایی طلب باسک نسبت داده بود، در مقابل القاعده که انجام آن را به عهده گرفت، مات شد و همین حرکت از جانب رقیب دست آویزی قرار گرفت تا او را در انتخابات شکست دهد. اگر کسی از سیر اتفاقات در اسپانیا مطلع نبود، این طور به نظرش می رسید که مخالفان "ازنار"، همه طرفداران "اتا" و جدایی طلبان باسک هستند. به هرحال پس از پیروزی سوسیالیستها در انتخابات، ارتش اسپانیا از عراق خارج شد و آمریکا یکی از همدستان اروپایی اش را از دست داد. اما در دیگر کشورهای اروپایی هر چند در بعضی از آنها مثل آلمان، دولت به ظاهر در دست چپهاست ولی راستهای حرف اول را می زنند. سیاستهای خارجی ستیزی رو به تزاید دارد و راستهای افراطی که تا چند سال قبل به چشم نمی آمدند، عملن اهرمهای قدرت را به دست گرفته و با شانتاژ سعی می کنند تا امورات خود را به پیش برند.

در پاره ای از کشورها مثل هلند، این سیاستها پوسته ظاهری شرم را شکسته و دو طرف به شیوه قهرآمیز به میدان آمده اند. راستهای افراطی مسلمان از یک طرف جبهه خارجیهای مهاجر تندرو را سامان دادند و مابقی یعنی ناسیونالیستها، تنونازبها و ضد خارجیهها نیز از طرف دیگر وارد عمل شدند. کسی از یک طرف به خون غلتید و از جانب دیگر مدرسه و مسجد و ... به آتش کشیده شد. هرچند دولت دست راستی سعی دارد تا با حوصله مساله را به شیوه دلخواه سامان دهد اما دمل چرکین ستیزه گری بیش از آن چه حدس زده می شد، رسیده است. تظاهرات کارگرانی که در چند هفته قبل برگزار شد، بیش از نیم میلیون نفر را به میدان آورد و جبهه مردم در

مقابل دولت دست راستی "بالکن انده"، بسیار قوی به نظر می آمد. اما با شلیک گلوله ی فردی مراکشی تبار، همه زحمات بیاد رفت و یکباره موقعیت جایجا شد و هرچه معترض و اعتصابی بود، از ترس سیل دست راستیهای کف به دهان آورده، ساکت شدند. کارگران تهدید کرده بودند که در صورت عدم بهبود شرایط و بازپس نگرفتن لایحه های ضد مردمی دولت که تقدیم مجلس کرده بود، تا سرنگونی دولت اعتصاب ادامه خواهد داشت و این عمل بیش از نیم میلیون نفر طرفدار در خیابانهای آمستردام داشت. اما گلوله ی این بنیادگرای اسلامی، نه تنها تنو وانگوگ، فیلم ساز تندرو، بلکه اعتصاب و تظاهرات حق طلبانه مردم را نیز هدف قرار داد و آن را به خاک افکند.

قبل از هلند، فرانسه با تصویب قانونی که نمادهای مذهبی از جمله حجاب زنان را در مدارس ممنوع می کرد، با مسلمانانی که به میدان آمده بودند با مشکل روبرو شد. اما مدیریت بحران در فرانسه از هلند بهتر بود و فعلن آبی بر روی این آتش ریخته شده است که به طور گذرا مساله چندان به چشم نمی آید.

در آلمان نیز مشکل به همین شیوه کنترل شده است، زیرا حضور قدرتمند ترکهای مهاجری که خود را آماده می کنند تا پذیرفته شدن کشورشان را در اتحادیه اروپا جشن بگیرند را می توان بعنوان یکی از اهرمهای کنترل این بحران در نظر داشت. اما بیکاری و بالا رفتن هزینه زندگی از یک طرف و کم شدن کمکهای دولتی در بخش آموزش و پرورش و بهداشت و امور فرهنگی، مشکلات اساسی ای است که با نصیحت نمی شود مردم را وادار به کنارآمدن با آنها کرد. آلمان یکی از بیشترین اعتراضات کارگری را در سالی که گذشت داشته و امید بهبود شرایط مورد اعتراض نیز نمی رود. مابقی اروپاییها نیز به شیوه هایی کم و بیش مشابه، درگیر بحران اند.

در منطقه خاورمیانه، قدیمی ترین مشکل، یعنی درگیری فلسطینیان با دولت اسرائیل، به قوت خود باقی است. اما فلسطینیان رهبر قدرتمند و سرسخت خود را در اواخر این سال از دست دادند. اسرائیل و آمریکا که عرفات را مانع اصلی صلح بین دو ملت معرفی می کردند، پس از مرگ او با تناقض بزرگی روبرو هستند. از یک طرف، دولت دست راستی اسرائیل، هیچ حقی را برای فلسطینیها به رسمیت نمی شناسد و از جانب دیگر،